



مرکز آموزش برای کودکان و نوجوانان افغان

دری ۱۰

برای لیسه



مقدمه

اسلام عليكم و رحمت الله و بركاته!


کودکان و نوجوانان عزیز، استادان محترم، والدین گرامی، هموطنان و علاقمندان محترم هدف ما از نوشتن کتابهای آموزشی برای فراگیری زبان دری و پشتو و توسعه دهی برنامه های آموزشی کامپیوتری ارائه روش های جدید در آموزش و پرورش فکری کودکان و نوجوانان دری و پشتو زبان افغانستان است. امکانات نوین کامپیوتری گشاینده درها در راه رسیدن به این هدف میباشد. برای رسیدن به این هدف با امکانات پیشرفته گرافیک، نقاشی و محیطی لذتبخش برای فراگیری زبان مادری و همچنان آشنایی با فرهنگ و کلتور اصیل افغانی در سطوح مختلف استفاده گردیده است. کتب با دروس آموزنده و تمرینات فراوان تهیه شده است.


برای تهیه این کتاب از منابع مختلف استفاده گردیده است. با تاسف باید یاد آور شد که بعضی از سازمانها و انجمنهای فرهنگی ایرانی و مسئولین صفحه وکیپدیا فارسی در انترنیت بیشتر شخصیتهای فرهنگی افغانستان را در کتابها و صفحات انترنیتی جعل کرده و ایرانی معرفی نموده است. ما این را مسولیت خود دانسته تا حقیقت را برای هموطنان ما بیان کرده تا شما عزیزان از سوانح، اشعار و بقیه آثار فرهنگی شخصیتهای کشور خود آگاه باشید.

امید وارم شما عزیزان همیشه ما را با انتقادات و پیشنهادات سالم تان جهت بهبود بخشیدن کتب و پروگرامها همکاری نمایید.

با احترام
انجنیر وحید دریاب

تمرین 

تمرین گروهی 

استفاده از انترنت 

نام کتاب: **دری ۱۰**
نویسنده: **انجنیر وحید دریاب**
چاپ اول، سال ۱۳۹۱ ه.ش
استکهلم - سویدن


KODAKAN
مرکز آموزش برای کودکان و نوجوانان افغان
www.kodakan.se
info@kodakan.se

دری ۱۰

برای لیسه

شامل موضوعات فرهنگی، تاریخی، جغرافیایی و دینی، داستان، شناخت شخصیت‌های فرهنگی و ملی افغانستان، آشنایی با سوانح، آثار و اشعار این شخصیتها بزرگ، همچنان تمرینات فراوان در آخر هر درس.

اسم:

صنف:

مکتب:

فهرست

صفحه

عنوان

1. داستان یوسف و ذلیخا (داستان جالب و حیرت انگیز، شامل تمرینات) 1
2. ادبیات دری (تعریف شعر، نثر، داستان و غیره، شامل تمرینات) 4
3. سعید جمال الدین افغانی (سوانح، آثار و غیره، شامل تمرینات) 7
4. خواجه عبدالله انصاری (سوانح، شعر، آثار و غیره، شامل تمرینات) 10
5. ابوریحان بیرونی (سوانح، شعر، آثار و غیره، شامل تمرینات) 13
6. سلمان فارسی (زندگی نامه، فضیلت‌های برجسته آن حضرت و غیره، شامل تمرینات) 16
7. حکیم سنایی (سوانح، شعر، آثار و غیره، شامل تمرینات) 19
8. ابو مسلم خراسانی (سوانح، نقش وی در انتشار دین اسلام در افغانستان، شامل تمرینات) 22
9. ابو نصر فارابی (سوانح، شعر، آثار و غیره، شامل تمرینات) 24
10. ناصر خسرو (زندگی نامه، شعر و غیره، شامل تمرینات) 27
11. امام بخاری (رح) (سوانح، آثار، نقش امام در جمع آوری احادیث نبوی، شامل تمرینات) 30
12. نظامی گنجوی (سوانح، شعر، آثار و غیره شامل تمرینات) 33
13. اشعار خلیل الله خلیلی (سوانح، شعر، آثار و غیره شامل تمرینات) 36
14. بیدل شناس معروف افغانستان (سوانح، نعت و غیره، شامل تمرینات) 39
15. تصوف و عرفان (شناخت تصوف، عرفان و خانقاه) 42

داستان یوسف و زلیخا



حضرت یوسف علیه السلام فرزند یعقوب فرزند اسحاق فرزند ابراهیم علیهم السلام از پیامبران بزرگ الهی و اولین پیامبر بنی اسرائیل بود.

نام یوسف ۲۵ بار در قرآن آمده و سوره ای نیز به نام یوسف که شامل ۱۱۱ آیه میباشد موجود است. این سوره داستان زندگی یوسف را به عنوان بهترین قصه ها از آغاز تا پایان بیان کرده است. حضرت یعقوب علیه السلام ۱۲ پسر داشت. یوسف و بنیامین از زنی به نام راحیل بودند که بسیار محبوب یعقوب بود و در جوانی درگذشت. از این رو یعقوب این یادگاران او را بیشتر از فرزندان دیگرش دوست داشت. زیبایی بی نظیر یوسف نیز به علاقه پدر نسبت به وی افزوده بود. این علاقه باعث حسادت دیگران به او شد. شبی یوسف خواب دید که صد نفر به او سر می‌دهند. خواب خود را به پدرش باز گفت. پدرش گفت: «این خواب را از رویای خود دور کن».

www.kodakan.se

شبی که یوسف خواب دید که صد نفر به او سر می‌دهند، خواب خود را به پدرش باز گفت. پدرش گفت: «این خواب را از رویای خود دور کن». یوسف در خواب دید که صد نفر به او سر می‌دهند. خواب خود را به پدرش باز گفت. پدرش گفت: «این خواب را از رویای خود دور کن». یوسف در خواب دید که صد نفر به او سر می‌دهند. خواب خود را به پدرش باز گفت. پدرش گفت: «این خواب را از رویای خود دور کن».

هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام به سلطنت مصر رسید، چون در سالهای قحطی عزیز مصر فوت کرده بود زلیخا کم کم فقیر گردید، چشمانش کور شد، به علت فقر و کوری بر سر راه می‌نشست و از مردم برای گذران خود گدایی میکرد.

به او پیشنهاد کردند خوب است از ملک بخواهی به تو عنایتی کند سالها خدمت او میکردی. شاید به پاس خدمات و محبتهای گذشته به تو رحم نماید. ولی باز هم عده ای او را از این کار منع می کردند که ممکن است به واسطه عشق ورزی که نسبت به او داشتی تا به زندان افتاد و آن همه رنج کشید خاطرات گذشته برایش تجدید شود و تو را کیفر نماید.

زلیخا گفت: یوسفی را که من می شناسم آن قدر کریم و بردبار است که هرگز با من آن معامله را نخواهد کرد. روزی بر سر راه او بر یک بلندی نشست.

هر وقت حضرت یوسف علیه السلام خارج می شد جمعیت کثیری از رجال و بزرگان مصر با او همراه بودند زلیخا همین که احساس کرد یوسف نزدیک او رسید گفت: پاک و منزه است خداوندی که پادشاهان را به واسطه نافرمانی بنده می کند و بندگان را بر اثر اطاعت و فرمان برداری پادشاه می نماید. یوسف علیه السلام پرسید: تو کیستی؟ زلیخا گفت: همان کسی که از جان، تو را خدمت می کرد و آنیکه از یاد تو غافل نمی شد، هوا پرست بود، به کیفر اعمال بد خود به این روز افتاد. برای گذران زندگی گدایی می کند که برخی به او ترحم میکنند و بر او بخشش می کنند. این دلایل ترین افراد، این است.

یوسف گریه زاری می کرد و می گفت: ای خداوند منم، به من در قابلیت باقی ماندن من در این دنیا، تو را نشان بده، تو، بیش

www.kodakan.se

گفت: ای خداوند منم، به من در قابلیت باقی ماندن من در این دنیا، تو را نشان بده، تو، بیش از این که من در این دنیا باقی بمانم، تو را نشان بده. یوسف علیه السلام گفت: خدای من! من را در این دنیا باقی بمانم، تو را نشان بده. زلیخا جواب داد و گفت: ای خداوند منم، به من در قابلیت باقی ماندن من در این دنیا، تو را نشان بده، تو، بیش از این که من در این دنیا باقی بمانم، تو را نشان بده. وحی کرد زلیخا راست میگوید. و محبتی که به پیامبر ما محمد (ص) دارد، دوست داریم و به این خاطر از دواج کن. آن روز یوسف به زلیخا چیزی نگفت و رفت.

روز بعد به وسیله شخصی به او پیغام داد که آیا میل داری تو را به ازدواج خود درآورم. زلیخا پاسخ داد و گفت: میدانم که ملک مرا مسخره می نماید، آن وقت که جوان و زیبا بودم مرا از خود دور کرد، اکنون که پیرو بینوا و کور شده ام مرا می گیرد؟! حضرت یوسف علیه السلام دستور داد آماده ازدواج شود و به گفته خود وفا کرد شبی که

خواست عروسی کند به نماز ایستاد، دو رکعت نماز خواند خدا را به اسم اعظمش قسم داد. خداوند جوانی و شادابی زلیخا را به او باز گرداند. به قدرت خداوند یکتا چشمانش شفا یافت، مانند همان زمانی که به او عشق می ورزید، در آن شب یوسف او را دختری بکر یافت،

خداوند دو پسر از زلیخا به یوسف داد، با هم به خوشی زندگی کردند تا مرگ بین آنها جدایی انداخت. هنگامی که یوسف علیه السلام مالک خزاین زمین شد با گرسنگی بسر می برد و نان جو می خورد، به او میگفتند با این که خزینه های زمین در دست توست به گرسنگی می گذرانی؟ می گفت می ترسم سیر شوم و گرسنگان را فراموش نمایم.



تمرینات

تمرین اول: خلاصه داستان یوسف علیه السلام را در پنج سطر بنویسید؟



تمرین دوم: سوره یوسف در قرآن کریم در چند آیه بیان گردیده است؟



تمرین سه



www.kodakan.se

تمرین چهارم: خداوند یکتا به یوسف (ع) علم تعبیر خواب داده بود و بسیاری خواب ها را تعبیر کرده است. علم تعبیر خواب و شیوه تعبیر آنرا به شکل گروهی بحث کنید؟



تمرین پنجم: با استفاده از اینترنت یا منابع دیگر فیلم این داستان که بزبان فارسی نیز موجود میباشد، را جستجو نموده و خلاصه آنرا برای همصنفی هایتان بیان نمایید؟





خواجه عبدالله انصاری

شیخ الاسلام ابواسماعیل عبدالله بن ابی منصور محمد متولد سال ۳۹۶ هـ. ق. مطابق سال ۱۰۰۶ میلادی میباشد. دانشمند و عارف افغانستان معروف به پیر هرات، پیر انصار، خواجه عبدالله انصاری و انصاری هروی بود. وی از اعقاب ابویوب انصاری است که صحابه پیغمبر (ص) بود. مادرش از مردم بلخ بود و عبدالله خود در

هرات متولد شد و از کودکی زبانی گویا و طبعی توانا داشت چنانکه شعر فارسی و عربی را نیکو می سرود و در جوانی در علوم ادبی و دینی و حفظ اشعار عربی مشهور بود و مخصوصاً در حدیث قوی بود و امالی بسیار داشت و در فقه روش امام حنبل را پیروی میکرد. وی در تصوف از استادان زیادی تعلیم گرفت و دو بار به دیدار شیخ ابوالحسن خرقانی شتافت و این دیدارها تاثیر زیادی در او داشت و منش وی داشته است. محل اقامتش بیشتر در هرات بود و در آنجا تا پایان عمرش را شاد اشتغال داشت.

انصاری شعر می
تألیف کرد
قرآ

تألیف می
تفسیر

www.kodakan.se

کودکی و نوجوانی

خواجه دوران کودکی
املاء می نوشتم و شعر میگفتم.
حسد میکردند.
دوران نوجوانی را بدلیل کوچ پدرش به بلخ، بسون سرپرستی پدر بود. وی تحت سرپرستی صوفی نامدار شیخ عمو پرورش یافت. سپس نزد استادانی چون یحیی ابن عمار و طاقی سجستانی به تعلیم قرآن و حدیث ادامه داد. وقتی سلطان مسعود غزنوی ولیعهد و حاکم هرات بود وی دوازده ساله بود.
خواجه دو بار عزم سفر حج نمود یکبار از ری و بار دیگر تا بغداد سفر کرده و بازگشت در این سفرها بود که به دیدار شیخ ابوالحسن خرقانی موفق گردید. شیخ میگفت؛ پروردگار چه در حجاز و چه در خوارزم حاضر است.

وی با وجود اینکه استاد علوم اسلامی مانند تفسیر، حدیث، اصول و عقاید بود، با علم کلام و اهل آن مخالف بود و قرآن و حدیث را یگانه دلیل و مرشد مومن می شمرد. خواجه هم استاد شریعت بود و هم پیر طریقت. خواجه در وصف الله چنین می نگارد:

الهی

گاهی به خود نگرم گویم از من زارتر کیست
گاهی به تو نگرم گویم از من بزرگوارتر کیست
بنده چون به فعل خود نگرد
به زبان تحقیر از کوفتگی و شکستگی گوید
پر آب دو دیده و پر آتش جگرم
پر باد و دو دستم و پر از خاک سرم
چون به لطف الهی و فضل ربانی نگرد
به زبان شادی و نعمت ازادی گوید
چه کند که : کشد

عشقم

www.kodakan.se

پیری و پایان عمر

نابینایی هر دو چشم خواجه در سن ۷۰ سالگی روی که عمری به آموزش و آموختن خو کرده بود به آمد، اما همچنان به فعالیت ارشاد شاگردان ادامه می داد و مطالب را به آنها املاء مینمود. خواجه عبدالله انصاری بعد از یک عمر آموزش، بحث و ارشاد و پس از تحمل چندین نوبت تبعید و حبس، عاقبت در سحرگاه جمعه ۲۲ ذی الحجه سال ۴۸۱ هجری مطابق سال ۱۰۸۸ میلادی در سن هشتاد و پنج سالگی دنیا را وداع گفت.



آرامگاه خواجه عبدالله انصاری در هرات

تمرینات

تمرین اول: خلاصه سوانح بنویسید؟



تمرین:



www.kodakan.se

تمرین سوم: زانده بنویسید؟



تمرین چهارم: مفهوم شعر ذیل را به شکل گروهی تحلیل و بحث نمایید؟



آن کس که تو را شناخت جان را چه کند

فرزند و عیال و خانمان را چه کند

دیوانه کنی هر دو جهانش بخشی

دیوانه تو هر دو جهان را چه کند

تمرین پنجم: با استفاده از اینترنت یا منابع دیگر چند شعر از اثری پیر هرات بنام الهی نامه را جستجو کرده و برای همصنفی هایتان قرائت نمایید؟



سلمان فارسی

سلمان فارسی چندین سال قبل از هجرت در یکی از روستای سرزمین بخارا یا افغانستان امروزی فرزندی به دنیا آمد، که نامش را **سلمان** گذاشتند و بعدها پیامبر اسلام (ص) او را سلمان نامید.

پدر سلمان بدخشان کاهن آتش بود. با اینکه در برابر آتش در برابر آتش

www.kodakan.se

رهسپهر را یافت و در حالی که

پیامبر گرامی اسلام (ص) چهل درهم، از مرد یهودی خرید. ریبای سلمان را بر او نهاد. این تغییر نام بیانگر آن است که برخی از نامهای جاهلیت، شایسته یک مسلمان نیست و همچنان واژه سلمان از سلامتی و تسلیم گرفته شده است. انتخاب این نام زیبا از سوی پیامبر (ص) نشانه پاکی و سلامت روح سلمان است.



بقایای کاخ کسری در شهر مدائن که فقط طاق آن برجای مانده است

فضیلت‌های برجسته حضرت سلمان

سلمان الگوی مسلمان کمالجو، وارسته و خودساخته است و ارزشهای متعالی بسیاری در خویش گردآورده بود. بخشی از این فضایل عبارت است از:

◊ نزدیکی حضرت سلمان به رسول خدا (ص)

حضرت سلمان پس از پذیرفتن اسلام، چنان در راه ایمان و معرفت اسلامی پیش رفت که نزد رسول خدا جایگاهی والا یافت. در ماجرای جنگ خندق، که در سال پنجم هجری رخ داد و به پیشنهاد سلمان پیرامون شهر خندق کردند. روایت است که پیامبر اکرم (ص) فرمود: هر که میخواهد به مردی بنگرد که خداوند قلبش را به ایمان درخشان کرده، به سلمان بنگرد.

آنچه به عبادت سلمان ارزش بیشتری می دهد، علم و آگاهی اوست. چرا که عبادت آگاهانه و پرستش از روی بصیرت از عبادت سطحی و ظاهری ارزشمندتر است.

www.kodakan.se

از دل
جایگاهم تاج شاهان
تارک گیتی ستانان بوده است
بوده ام عقد گلوی مهوشان
زینت انگشت خوبان جهان
بوده ام با ماهرویان شامها
در بساط عیش درد آشامها
دیده ام گوهر نشان اورنگها
رقصها با باده گلرنگ ها
قطره ام از چشمه سار آفتاب
دخترم از دودمان مهتاب
ماه پرورده مرا شبها به بر
شیر من داده ز پستان سحر

دیده ام از خون دل
حرم من دختر محزون دل
مادرم داده بخونم پرورش
آفریده هستیم را از تپش
کرده با داغ جگر همخانه ام
ساخته از درد و غم کاشانه ام
دیده ام من مادرم را بی کفن
در میان خون و آتش در وطن
شعله ور جسم برادر دیده ام
تر بخون رخسار خواهر دیده ام
طفل اشکم از وطن آواره ام
بی پدر بی مادر و بیچاره ام
داستی گر این یتیم بی وطن
بر برهنه قامت خود پیرهن
چون عقیش بر گریبان می شدم
چون ستاره زیب دامن می شدم

تمرینات

تمرین اول: خلاصه سوانح استاد خلیل الله خلیلی را در پنج ستر بنویسید؟



۱. ی به جا گذاشته است؟

تمرین دوم: استاد خلا



www.kodakan.se

انجام داده است؟

تمرین سوم:



تمرین چهارم: مفهوم شعر (قسمتی از شعر خلیلی زیر عنوان راه نیستان) ذیل را بشکل گروهی بحث نمایید؟



نالہ بہ دل شد گرہ ، راه نیستان کجاست؟

خانہ قفس شد بہ من طرف بیابان کجاست؟

اشک بہ خونم کشید ، آہ بہ بادم سپرد

عقل بہ بندم فگند، رخنہ زندان کجاست؟

تمرین پنجم: با استفاده از اینترنت یا منابع دیگر نام و محتوای یک اثری از خلیلی در عرصه عرفان را جستجو نموده و برای همصنفی هایتان بیان نمایید؟



تصوف و عرفان

تصوف

تصوف روشی است از سلوک باطنی دینی در عالم اسلام. در تعریف تصوف نظرات مختلفی بیان شده است، اما اصول آن بر پایه طریقه ایست که شناخت خالق جهان، کشف حقایق خلقت و پیوند بین انسان و حقیقت از طریق سلوک عرفانی باطنی، نه از راه استدلال عقلی جزئی میسر است. موضوع آن، نیست شدن خود، و پیوستن به خالق هستی و روش آن اصلاح و کنترل نفس و ترک علایق دنیوی و ریاضت و خویشتن داری است. ظاهراً واژه

صوفی در قرن دوم، در برخی از سرزمینهای اسلامی بخصوص در بین النهرین متداول شد. کسانیکه در قرن دوم صوفی خوانده میشدند، تشکلات اجتماعی و مکتب و نظام فکری و عرفانی خاصی نداشتند، به عبارت دیگر تشکیلاتی که رابطه مرید و مرادی و آداب و رسوم خاص صوفیه و همچنین نظامی که در قرن دوم و حتی

عرفان


























عرفان

www.kodakan.se

از طریق عرفان در اسلام نیز این تشکیلاتی که رابطه مرید و مرادی و آداب و رسوم خاص صوفیه و همچنین نظامی که در قرن دوم و حتی وجود آورده است.

خانقاه

توجه خاص به موضوع آداب در تصوف، ملازم پیدایی رابطه خاصی بود که میان صوفیان مجرب و کار آزموده در مقام شیخ یا پیر، با نوآموزان یا شاگردان پدید آمد. رابطه مریدی و مرادی، جمع شدن عده ای شاگرد به دور یک پیر و دریافت دستورها و تعالیم طریقت از وی مستلزم داشتن محلی خاص بود. در بعضی شهرها صوفیه از مسجد استفاده میکردند. گاهی محل تجمع و دیدار آنان خانه پیر بود. ولی بعداً صوفیان محلّهای خاصی برای خود تأسیس کردند که معمولاً به آن دُویره یا رباط میگفتند. در خراسان و ماوراءالنهر لفظ خانقاه یا خانه گاه را برای محل تجمع و مدرسه های خود به کار می بردند.

کتابها و پروگرامهای آموزشی Language learning books and Educational software		
 Dari 1A ISBN: 978-91-979212-0-6	 Dari 1B ISBN: 978-91-979212-1-3	 Dari 1C ISBN: 978-91-979212-2-0
 Dari 1D ISBN: 978-91-979212-3-7	 Dari 1E ISBN: 978-91-979212-4-4	 Dari 1F ISBN: 978-91-979212-5-1
 Dari 1 Exercises ISBN: 978-91-979213-6-7		
 Dari 2A ISBN: 978-91-979212-6-8	 Dari 2B ISBN: 978-91-979212-7-5	 Dari 2C ISBN: 978-91-979212-8-2
 Dari 2 Exercises ISBN: 978-91-979213-9-8		
 Dari 3A ISBN: 978-91-979212-9-9	 Dari 3B ISBN: 978-91-979213-0-5	 Dari 3 Exercises ISBN: 978-91-979525-0-7
 Dari 4A ISBN: 978-91-979213-1-2	 Dari 4B ISBN: 978-91-979213-2-9	 Dari 4 Exercises ISBN: 978-91-979525-1-4
 Dari 5A ISBN: 978-91-979213-3-6	 Dari 5B ISBN: 978-91-979213-4-3	 Dari 5 Exercises ISBN: 978-91-979525-2-1
 Dari 6A ISBN: 978-91-979213-7-4	 Dari 6B ISBN: 978-91-979213-8-1	 Dari Grammar ISBN: 978-91-979213-5-0
 Dari 10 ISBN: 978-91-87029-00-4	 Dari 11 ISBN: 978-91-87029-01-1	

Name: **Dari 10**
 Author: **Wahed Dariab**
 First Edition
 2013 Stockholm - Sweden

ISBN 978-91-87029-00-4



Education Center for Afghan children
www.kodakan.se
info@kodakan.se

Copyright © 2013 by KODAKAN (Education Center for Afghan children) and Wahed Dariab.
 All rights reserved. No part of this publication may be reproduced, stored in retrieval system or transmitted, in any form or by any means, electronic, mechanical, photocopying, recording or otherwise, without the prior written permission of the publisher.

The background is a dark green, textured surface. Scattered across it are various colorful elements: a blue circle in the top left, a yellow sun with rays in the top left, a yellow oval in the top right, a small yellow dot in the top center, a blue star in the top right, a blue circle in the middle right, a yellow sun with rays in the middle right, a blue circle in the middle left, a yellow star in the middle left, a white circle in the bottom left, a green circle in the bottom center, a red circle in the bottom center, a yellow circle in the bottom center, a blue circle in the bottom right, a yellow oval in the bottom left, and a blue oval in the bottom right.

Dari 10